

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
پیااده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم
تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی			

اقسام روزه‌داران براساس نیت در روزه

امیرالمؤمنین و حضرت زهرا، در بیان فلسفه و حکمت تشریح احکام الهی، فلسفه‌ی مقرر شدن روزه را تثبیت اخلاص بیان فرموده‌اند: **فَجَعَلَ اللَّهُ... الصَّيَامَ تَثْبِيثًا لِإِخْلَاصٍ^۱**: خدای متعال روزه را قرار داد تا اخلاص را در وجود انسان تثبیت کند. **فَرَضَ اللَّهُ... الصَّيَامَ إِبْتِلَاءً لِإِخْلَاصِ الْخَلْقِ^۲**: خداوند روزه را واجب کرد تا میزان اخلاص مردم را بیازماید. گفتیم روزه عملی است که برخلاف اعمال دیگر هیچ مظهر رفتاری ندارد. عملی مانند نماز یا طواف خانه‌ی خدا آشکار و قابل تشخیص است؛ اما روزه را از ظاهر کسی نمی‌توان تشخیص داد؛ لذا اخلاص در آن بسیار قوی‌تر است. روزه قائم به نیت است؛ همین که کسی نیت کند روزه‌اش را بخورد، روزه باطل شده است. به محض اینکه اراده کند روزه‌اش برای غیرخدا باشد، باطل است. روح اخلاص در روزه بسیار مهم است و این عبادت وصل به اخلاص است. این بحث را به لحاظ‌های مختلف و در ابعاد مختلف روزه دنبال می‌کنیم.

۱. طیف روزه‌داران به لحاظ اصل نیت در روزه

پایین‌ترین مرتبه کسانی هستند که فقط برای غیرخدا، فقط برای ترس از مردم یا جوّ محیط یا برای رسیدن به منفعتی، یا مقام و جایگاهی اجتماعی و موقعیتی سیاسی روزه می‌گیرند؛ یا اینکه تابع عادت مردمند؛ مردم عادت کرده‌اند روزه می‌گیرند؛ او هم روزه می‌گیرد. این پایین‌ترین و پست‌ترین همت در

^۱ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۳، خطبة سيدة النساء.

^۲ شریف رضی، نهج‌البلاغه، حکمت ۲۵۲، ص ۵۱۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۱۰.

روزه گرفتن است که هیچ بویی از خدا و معنویت در آن نیست؛ حتی بویی از قیامت و بهشت و دوزخ در آن نیست. طیف نیت و اخلاص در روزه از این حوض شروع می‌شود و رده به رده بالا می‌آید.

گروه دوم از روزه‌داران، گرچه نیت غیرخدایی دارند، کمی هم ترس از کیفر و غضب الهی، و کمی امید به پاداش‌ها و انعام‌های الهی همراه آنهاست. فقط ترس از مردم و طمع رسیدن به سود دنیوی و مادی نیست؛ ترس از خدا و قیامت و طمع نعمت‌های اخروی نیز دارند. نیت گروه سوم پاک‌تر شده است؛ آنها فقط از خوف کیفر الهی و به امید رحمت الهی روزه می‌گیرند. از غذایی که روزه‌خواران را تهدید می‌کند، می‌ترسند و به پاداش‌های اخروی که خدا به روزه‌داران عطا می‌کند مشتاقند و تحت تأثیر همین بیم و امید روزه می‌گیرند. گروه چهارم از اینها بالاترند و علاوه بر خوف و رجایی که نسبت به کیفر و پاداش الهی دارند، اندکی قصد تقرب به خداوند و جلب رضایت الهی همراه نیتشان است؛ فقط خوف از کیفر و طمع به پاداش نیست. نیت گروه پنجم خالص‌تر است؛ آنها صرفاً برای رسیدن به قرب خدا و جلب رضایت حضرت حق روزه می‌گیرند.

یک پله بالاتر از اینها کسانی هستند که فقط به خاطر اینکه خدای متعال سزاوار پرستش و عبودیت است، حتی بدون قصد نیل به قرب خدا و جلب رضایت و خرسند کردن خدا از خودشان، حق بندگی او را به جا می‌آورند. بنا به آنچه روایت شده، امیرالمؤمنین فرمودند: **مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا طَمَعًا إِلَى جَنَّتِكَ بَلْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ**^۳: خدایا نه از ترس آتش دوزخت، با همه‌ی ترسناکیش، و نه به طمع نعمت‌های بهشتیت، با همه‌ی جذابیت و خواستنی بودنش، به هیچ‌یک از این دو انگیزه تو را بندگی نکردم؛ بلکه تو را سزاوار عبادت دیدم و سر به راه بندگیت نهادم. پس با این طیف گسترده آشنا شدیم و هرچه به سمت بالاتر آمدیم، آن خلوص را در نیت بیشتر دیدیم.

۲. طیف روزه‌داران به لحاظ لقمه‌ای که با آن روزه می‌گیرند.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۸۶؛ ابن‌ابی‌جمهور، عوالی‌اللتالی، ج ۲، ص ۱۱.

گروهی از مردم با غذای حرام روزه می‌گیرند؛ با غذایی که از رهگذر گران‌فروشی، کم‌فروشی، تقلب، رشوه، و سوءاستفاده از بیت‌المال تهیه شده است؛ از درآمد مقام‌هایی که شایسته و سزاوار آن نبودند و با پارتی‌بازی و باندبازی به آن دست پیدا کردند که یقیناً حرام است. اگر کسی یقین دارد فرد شایسته‌تر از او برای یک مقام در جامعه وجود دارد، با این حال در این مقام بماند و میدان را برای او خالی نکند، حقوقی که می‌گیرد حرام است؛ وقتی با این حقوق‌ها و درآمدهای حرام، سحری و افطاری تهیه کند و با آنها روزه بگیرد، پاداش روزه از آن صاحبان اصلی آن اموال است و کیفر آن متوجه اوست که مال حرام را کسب کرده و استفاده می‌کند.

گروه دوم کسانی هستند که خوراکشان حرام نیست؛ اما شبهه‌ناک است و احتمال حرام بودن دارد. این گروه دو دسته‌اند؛ یک دسته ظاهر غذایشان حلال است؛ اگرچه اگر کمی درنگ و تأمل کنند، تردیدهایی در مورد حلیت آن به ذهن می‌آید. با این حال این خوراک‌ها را می‌خورند و با آن روزه می‌گیرند و از کسانی که لقمه‌شان مطمئناً حلال است پایین‌ترند. چون ظاهر لقمه‌شان حلال است؛ اما بالأخره تردیدی در آن وجود دارد. دسته‌ی دیگر لقمه‌شان شبهه‌ناک است و ظواهر امر نیز مشتبه بودن آن را کاملاً نشان می‌دهد. نیازی نیست انسان کنکاش کند تا به مشتبه بودن آن پی ببرد؛ از ظواهر روشن است که این لقمه به احتمال قوی حلال نیست. کسانی که با این غذا روزه می‌گیرند یک درجه بالاتر از کسانی هستند که غذایشان یقیناً حرام است.

گروه سوم کسانی هستند که غذایشان حلال است؛ ولی سفره‌ی رنگین و چرب و نرمی می‌گسترانند و پرخوری و شکم‌چرانی می‌کنند. خدای متعال چنین سفره‌های رنگینی را یقیناً نمی‌پسندد. درحالی‌که انسان‌های فقیر و تهی‌دست به یک لقمه نان چشم دارند و به آن دست پیدا نمی‌کنند، چگونه این لقمه‌ها از گلوی انسان پایین برود. این سفره‌های رنگین افطاری که پهن می‌شود مورد رضایت خداوند نیست. آن نامه‌ی عتاب‌آمیز امیرالمؤمنین به عثمان بن حنیف، فرماندارشان در بصره، برای ضیافتی اشرافی بود که فقرا راه نداشتند. حضرت در آن نامه‌ی عتاب‌آمیز نفرمودند آنچه خوردی حرام بود؛ نفس اشرافی بودن آن مجلس مورد انتقاد حضرت بود. خداوند این‌گونه سفره‌ها را نمی‌پسندد؛ ولو با

درآمد حلال؛ ولذا خداوند به کسانی که دل به این نوع زندگی داده‌اند و چنین سحری‌ها و افطاری‌هایی می‌خورند، می‌گوید شما این غذاها را دوست دارید؛ من هم شما را با این غذاها تنها می‌گذارم؛ خداحافظ!

گروه چهارم غذایشان حلال و بدون تجمل است؛ اما استفاده از این مال حلال توأم با اسراف است. رزق حلال را هدر می‌دهند. نان در سفره‌ی آنها با بی‌اعتنایی خشک می‌شود و دور می‌ریزند. به‌سادگی می‌توان از این نان نگهداری کرد تا به‌اندازه مصرف شود. چرا این همه نان را بدون هیچ پوششی سر سفره پخش می‌کنی؟ سفره‌ات رنگین نیست؛ اما همین سفره‌ی ساده با اسراف توأم شد و مال حلال را هدر دادی. چرا آن قدر غذا در بشقاب می‌کشی که خودت می‌دانی نمی‌توانی بخوری و مانده‌اش را ناگزیر دور می‌ریزی؟ اسراف حرام است و شوخی‌بردار نیست. **إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ**^۴: حَقًّا آنان که اموالشان را ریخت‌وپاش می‌کنند، برادران شیاطینند. **إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ**^۵: همانا خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد. کسی که سفره‌ی افطارش توأم با این فعل حرام است، به کسی می‌ماند که اصلاً غذایش حرام است.

گروه پنجم کسانی هستند که غذایشان حلال است و سفره‌ی افطار و سحری آنها بسیار ساده و بی‌پیرایه و به دور از هرگونه اسراف و ریخت‌وپاش است؛ بدون تنوع‌طلبی و تجمل، بدون لذت‌جویی حیوانی که فقط از شکم‌چرانی لذت ببرند؛ در حدّ ضرورت‌های واقعی نیاز بدن برای اینکه توانایی داشته باشند روزه بگیرند و عبادت کنند، غذا می‌خورند. این گروه اجر بسیار زیادی در پیشگاه الهی دارند و مورد پسند پروردگار هستند.

۳. طیف روزه‌داران به لحاظ نیت خوردن

وقتی غذایمان حلال است و مراعات می‌کنیم، ریخت‌وپاش و اسراف هم نمی‌کنیم، انگیزه‌ی ما از خوردن چیست؟ چرا می‌خوریم؟ گروهی فقط برای رفع گرسنگی می‌خورند؛ یک روز روزه بودم و اینک

^۴. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۲۷.

^۵. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۴۱؛ سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۱.

زمان افطار است؛ گرسنه‌ام و غذاها لذیذ و خوشمزه است؛ از خوردن لذت می‌برم. انگیزه‌ی بعضی‌ها از خوردن افطاری و سحری این است و این پایین‌ترین مرتبه است.

کم خوردن در ماه مبارک رمضان یک اصل است. روزه مقرر شده است تا انسان طعم گرسنگی و تشنگی را بچشد؛ بنابراین روزه‌دار باید کم خوردن در افطاری، در سحری، و در فاصله‌ی بین این دو را رعایت کند. مگر پیغمبر اکرم در خطبه‌ی شعبانیه فرمود: **وَ ادْكُرُوا بِجُوعِكُمْ وَ عَطَشِكُمْ فِيهِ جُوعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ عَطَشَهُ؟** با این گرسنگی و تشنگی روزه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را یاد کنید. مگر امام صادق فرمود: روزه مقرر شد تا اغنیایی که طعم گرسنگی و تشنگی و طعم محرومیت را در زندگی نچشیده‌اند، با روزه درد محرومان را احساس کنند، سپس برای رفع محرومیت آنان تلاش کنند. پس ماه مبارک رمضان و روزه‌ی آن باید گرسنگی و تشنگی در انسان ایجاد کند. ولی ما چه می‌کنیم؟ بعضی‌ها برای مراعات این مهم فقط یک وعده می‌خورند؛ یعنی از افطار تا سحر یک‌بند می‌خورند! بعضی‌ها چون حدیث پیغمبر اکرم را شنیده‌اند که: **كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَ الْعَطَشُ**^۶: چه بسیار روزه‌داری که جز گرسنگی و تشنگی، از روزه بهره‌ای نمی‌برد، گفتند پس ما بکوشیم مصداق این حدیث نشویم. کاری کنیم که نه گرسنه شویم و نه تشنه؛ یعنی به‌قدری بخوریم و بیاشامیم که در طی روز نه گرسنه شویم و نه تشنه! بعضی‌ها می‌گویند مگر ماه رمضان ماه عادت-شکنی نیست؟ ما عادت داشتیم در شبانه‌روز یک کیلو، یک کیلو و نیم بخوریم، حالا عادت‌شکنی می‌کنیم و سه کیلو می‌خوریم! بعضی‌ها می‌گویند ماه مبارک رمضان ماه مبارزه‌ی با نفس است. من غذا خورده‌ام و سیر شده‌ام. نفسم می‌گوید دیگر نمی‌خواهم؛ می‌گویم بیجا کردی! می‌خواهم مجاهده‌ی با نفس کنم؛ باید بخوری! این حرف‌ها شوخی به‌نظر می‌رسد، ولی ببینید واقعاً این‌گونه نیستیم؟ بسیاری از خوراکی‌هایی که ما در طول سال یک‌بار هم نمی‌خوریم، در ماه مبارک رمضان سر سفره‌مان نمی

۶. حرّاعلمی، وسائل الشّیعة، ج ۱۰، ص ۳۱۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶.

۷. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۹۴.

آید؟ با این همه خوردن کجا می‌خواهیم برویم؟ از کجا می‌خواهیم سر در بیاوریم؟ چه خبر است؟ عزیزان کمتر بخوریم؛ کمتر بیاشامیم؛ بگذاریم طعم گرسنگی و تشنگی احساس شود؛ والا آن کارکرد روزه در ما اتفاق نمی‌افتد. هر زمان دیگری هم سیر باشیم غذا نمی‌خوریم. هنر کرده‌ای که الان سیر هستی و چیزی نمی‌خوری؟! می‌گویی من روزه هستم. خیلی زحمت کشیدی! چنان خورده‌ای که دیگر جایی میلی به غذا نداری. اگر گرسنه بودی و گرسنگی به تو فشار آورد و نخوردی، آنگاه روزه هستی. اگر تشنه بودی و تشنگی به تو فشار آورد و نوشیدی، روزه هستی. کمی مراعات کنیم. این همه خوردن‌ها در ماه مبارک رمضان چه معنایی دارد؟ این سفره‌های عجیب و غریب! و خوراکی‌های بین دو وعده‌ی افطار و سحر که بند نمی‌آید! روزه‌دار باید بعد از ماه مبارک رمضان واقعاً سبک شده باشد. همان‌طور که روح او باید از کدورت‌ها و آلودگی به معصیت و گناه سبک شود؛ جسم او نیز باید سبک شده باشد. بعضی‌ها در ماه مبارک رمضان چند کیلویی هم چاق می‌شوند، واقعاً زحمت می‌کشند!

گروهی از این بالاترند و نیتشان در خوردن الهی است. سحری خوردن مستحب است و اصلاً یک عبادت به شمار می‌آید. در روایت‌های متعددی تأکید کرده‌اند، سحری بخورید ولو با نوشیدن یک جرعه آب؛ بی‌سحری روزه نگیرید. فرمودند آگاه باشید که خدا بر کسانی که سحری می‌خورند، درود می‌فرستد^۱. در روایات نقل شده است، هیچ مؤمنی روزه نمی‌گیرد و هنگام خوردن سحری و خوردن افطار، سوره‌ی قدر را نمی‌خواند، مگر اینکه در فاصله‌ی افطاری و سحری مثل کسی است که در راه خدا به میدان جهاد رفته و در خون خود می‌غلند. خواندن سوره‌ی قدر در کنار خوردن سحری و افطاری چنین منزلتی دارد. بنابراین خوردن سحری و افطاری عمل بسیار باارزشی است و روزه‌دار به

^۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۱۰: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: تَسَحَّرُوا وَلَوْ عَلَى شَرِبَةِ مَاءٍ ... السَّحُورُ بَرَكَةٌ وَاللَّهُ مَلَائِكَةٌ يُصَلُّونَ عَلَى

الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ وَعَلَى الْمُتَسَحِّرِينَ وَأَكَلَةَ السَّحُورِ فَرَقَ مَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ أَهْلِ الْمَلَلِ.

قصد استحباب می خورد؛ نه چون گرسنه است و غذاها لذیذ است. اگرچه گرسنه است و با خوردن سیر می شود؛ غذاها خوشمزه است و از خوردن لذت هم می برد؛ اما استحباب خوردن سحری و افطاری و نیرو گرفتن برای انجام طاعت و عبادت هم در نیتش حضور دارد.

گروه سوم کسانی هستند که خوردن سحری و افطاری را مطلوب مولایشان می دانند. فقط به این دلیل می خورند که غذا مایه‌ی توانمندی آنها در عبادت و بندگی خدا و اطاعت و فرمانبری خداست. همچنین هنگام خوردن افطاری و سحری، مستحباتی را که از معصومین روایات شده است مراعات می کنند؛ از جمله خواندن سوره‌ی قدر هنگام افطار و سحر یا خواندن دعاها و اذکاری که برای این اوقات وارد شده است. دعای بسیار زیبایی در حدود یک صفحه برای هنگام افطار از امیرالمؤمنین روایت شده است که خواندن آن بسیار فضیلت دارد. دعا با این جمله شروع می شود: **اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ**؛ و در ادامه مضامین بلندی را مطرح می کند. بکوشیم نیت خود را در خوردن هم الهی کنیم و قصدمان پسند خدا و کسب توانمندی برای بندگی و فرمانبری خدا همراه با این مستحبات باشد.

۴. طیف روزه‌داران به لحاظ نیت در مهمانی افطاری

ابتدا به کسانی که خداوند به آنها توفیق برگزاری مهمانی افطار را می دهد، بشارت می دهیم. ماه رمضان ضیافت الله است. ماهی است که خدا میهمانی می دهد و کسی که مهمانان خدا را مهمان می کند، تأدب به ادب الهی و تخلّق به اخلاق الله پیدا کرده است. شأن عظیم و توفیق بزرگی یافته است. خدا مهمانی می دهد؛ او هم مهمانی می دهد؛ در ماه خدا کار خدایی می کند. توفیق عظیمی است که باید قدر بداند و مراقب باشد این عطای بزرگ خدا را تباه نکند. میزان اخلاصی که در این عمل نهفته است، هم از جانب افطاری دهندگان و هم افطاری خورندگان، هر دو اهمیت دارد. آن که افطاری می دهد به مراقبه‌ی بالایی نیاز دارد. مبدا مجلس افطار را برای خودنمایی برپا کرده است و می خواهد نظر دیگران را به خود جلب کند و شهرتی پیدا کند که بله، فلانی انسان بسیار موقّعی است؛ چه مجلس افطاری قشنگی برپا کرد. حتی نکند برای کسب ثواب اخروی باشد؛ اهل سلوک مراقب این

بعد هم هستند. نکند برای اینکه در فامیل ما عادت شده و معمولاً هرکس یکبار مهمانی افطار برگزار می‌کند، حالا نوبت ماست و باید افطاری بدهیم.

در نحوه‌ی افطاری دادن نیز باید مراقب بود، آن اخلاصی که فرمودند: *فَرَضَ اللَّهُ الصِّيَامَ تَثْبِيثًا لِلْإِخْلَاصِ*، لطمه نخورد. همان‌طور که گفتیم شأن بسیار بزرگی است که کسی میهمانان خدا را میهمان کند؛ اما چگونه افطاری می‌دهد؛ چه نوع غذایی سر سفره می‌چیند؟ آیا غذایی می‌چیند که همه بگویند بارک الله عجب سفره‌ای! فلانی عجب سخاوتمند است؛ ببین چقدر برای افطارش خرج کرده بود! پناه می‌بریم به خدا از اینکه این کار خدایی به چنین نفسانیاتی آلوده شود. اخلاص در عمل بسیار دشوار و ظریف است.

نکته‌ی دیگر اینکه چه کسانی را به افطار دعوت می‌کنیم؟ مقامات مملکتی، صاحبان نام و علمای بزرگ؟ آیا اشخاص بی‌نام و نشان به این مجلس راه دارند؟ آیا نیت واقعی ما این نیست که تشخیص داشته باشیم و به مقامات خودی نشان دهیم؟ نوع برخورد و رفتار ما با میهمانان چگونه است؟ اگر کسی پُست و مقام بالا یا ثروت بسیار دارد، یا علم زیادی دارد و شخصیت علمی است، تا کمر در برابر او خم می‌شویم و استقبال می‌کنیم، ولی شخصی که نه مقامی دارد، نه ثروتی و نه شخصیت علمی شناخته‌شده‌ای است، یک روزه‌دار بی‌نام و نشان است که سر سفره‌ات آمده، بی‌اعتنایی می‌کنی و چندان تحویل نمی‌گیری؟! خیلی مراقبه می‌خواهد تا شأن والای ضیافت در ماه ضیافت الله حفظ شود. در همه‌ی جزئیات باید مراقب حفظ اخلاص بود تا هیچ‌چیز جز رضایت خدا در ما تأثیر نگذارد.

متقابلاً وقتی ما را به مجلس افطاری دعوت می‌کنند، با چه نیت و انگیزه‌ای می‌رویم؟ می‌رویم شکم‌چرانی کنیم و غذاهای لذیذی بخوریم و این‌گونه از میهمانی بهره ببریم؟ یا اینکه صاحب مجلس یک شخصیت و مقام خاصی است و دعوت او را قبول می‌کنیم تا به او نزدیک‌تر شویم؟ مراقب نیاتمان باشیم و خالصانه دعوت‌ها را بپذیریم. اگر یک فقیر بی‌نام و نشان، سفره‌ی محقر افطاری پهن کرد، همان‌گونه دعوتش را بپذیریم که یک فرد ثروتمند، سفره‌ی اشرافی افطاری، ولو از مال حلال، پهن کرده باشد. گرچه اگر انسان والاتری باشیم، یقیناً آن سفره‌ی محقر را ترجیح خواهیم داد؛ چون روح

اخلاص و صفای بندگی در آن سفره قطعاً بیشتر از یک سفره‌ی خوش آب و رنگ است. قصدمان در پذیرفتن دعوت میهمانی، فقط جلب رضایت خدا باشد؛ اینکه کنار برادران و خواهران ایمانی بر سر یک سفره بنشینیم و آن صفا و صمیمیت ایمانی را به منصفی ظهور گذاریم و تقویت کنیم. اگر چنین خلوص و صفایی در پذیرش دعوت افطاری باشد، معلوم نیست نصیب میهمان از عطای الهی کمتر از میزبان شود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ